

انسانیت مقدم است



سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری اصلاحات

کامروائی جمعیت محترم حمایت از حقوق بشر زنان را در همه‌ی عرصه‌های فکری و عملی از پروردگار توانا خواستارم و امیدوارم نشست این جمعیت زیر عنوان «احزاب، زنان و نسل‌های حقوق بشر؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها» دستاورد ارزنده‌ای برای جامعه به‌ویژه زنان گرانقدر داشته باشد.

بخش‌بندی‌هایی که در جوامع انسانی صورت می‌گیرد وپاره‌ای طبیعی وپاره‌ای دیگر اعتباری است، همگی بریگانه‌یعنی «انسان» استوار است و انسانیت بر همه تقسیمات از جمله «زن بودن» و «مرد بودن» مقدم است و پرسش مهم اینکه: «انسان کیست؟» به اجمال می‌توان گفت که گوهر انسانیت انسان «کرامت ذاتی» اوست که:

در ساحت نظر در صورت خردورزی و اندیشه‌گری بروز می‌کند و در عرصه عمل «به‌ویژه اخلاق» به‌صورت اراده‌ی آزاد و توان اختیار و انتخاب آدمی؛ و در ورای این دو عشق به «حقیقت و زیبایی» که اوج عاطفه است.

هر نظام حقوقی، سیاسی، اجتماعی و... در صورتی مطلوب «و حتی موجه» است که برکرامت انسانی مبتنی باشد و نظام‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی به تناسب تحول در پرسش‌ها و نیازهای آدمی و سیر تکاملی جوامع می‌توانند و باید تغییر‌پذیر و اصلاح‌پذیر باشند.

نکته دیگر اینکه: انسان «چه زن و چه مرد» موجودی است «رشد‌یابنده و رشد‌آوار» نهایتی نیست چراکه هدف رشد آدمی بی‌نهایت است، و به آن می‌توان نزدیک شد، وجود هدف متعالی بیکران مسیر مداوم این موجود شگفت‌انگیز را که معجزه آفرینش است، ایجاب می‌کند.

در عرصه حیات این جهانی، «رشد» که استعداد آن به‌طور مساوی در همه انسان‌ها (اعم از زن و مرد) نهاده شده است و به‌فعلیت رسیدن و رساندن آن مهم‌ترین حق همگانی است؛ امری اجتماعی است. رشد در سامان وجودی آدمی که بالطبع یا به ناچار مدنی و اجتماعی است، در وجه اجتماعی زندگی قابل حصول ووصول است. برای اینکه این مهم ایفاء و استیفاء شود انسان (اعم از زن و مرد) باید در عرصه حیات اجتماعی و در ساحت سرنوشت حضور فعال داشته باشدو در صورتی می‌توان میان انسان‌ها به لحاظ استعدادها و شایستگی‌های بنیادین مقایسه کرد که امکان حضور آنان به‌طور مساوی در همه‌ی عرصه‌های حیات اجتماعی وجود داشته باشد.

برای عزیزان در همه حال و همه جا موفقیت آرزو می‌کنم.



مصطفی کواکبیان

دبیرکل حزب مردم‌سالاری

خداوند می‌فرماید، پرهیز داشته باشید از خدایی که همه‌شمارا از یک نفس آفریده است، لذا هیچ تفاوتی برای خدا در باره مباحث مربوط به زنان نیست.

گاهی در بحث احزاب، موضوع زنان را به مواردی مثلاً مانند ورود زنان به ورزشگاه تقلیل می‌دهند. پیرامون این موضوع بحث هم می‌شود و پس از آن بامنت می‌گویند که ما اجازه ورود می‌دهیم، یا موضوع لایحه عفاف و حجاب که می‌بینیم به کجا کشیده است و هنوز روی آن بحث است ویا اینکه ماهنوز روی موضوع حجاب اجباری مشکلات داریم، اما من می‌خواهم بگویم بحث این همایش و بحث زنان خیلی فراتر از این مباحث است. برخی آمارها ارائه شده است ولی آماری که من گرفتم، در بحث مناصب سیاسی وپست‌های سیاسی و اجتماعی مهم مانند شوراها، مجلس، فرمانداران و سفرا است که حضور زنان در این سمت‌ها در جمهوری اسلامی به ۲درصدهم نمی‌رسد. اما این وضعیت چطور باید حل شود؟

جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان، این همایش را به کار گرفته و تأکید بر این بوده که احزاب به‌خصوص در بحث زنان یک نقشی را ایفا کنند. من به‌عنوان کسی که سال‌ها کار حزبی کردم واز ابتدای تأسیس خانه احزاب این بحث را داشته‌ایم، باید سوگمندانه بگویم که خیلی زیاد این مباحث پیگیری و حل نشده است. در جمهوری اسلامی در مباحث مختلف هنوز مسئله داریم، البته در قرآن کریم تفاوت در بحث مرد و زن در موضوع ارث آمده است، اما در سایر موارد هیچ تفاوتی را بین زن و مرد در قرآن کریم نمی‌بینیم. ممکن است در مباحثی مانند دیه و شهادت و... اختلافات روانی هم بین فقها وجود داشته باشد اما در قرآن این مسائل را نداریم، به‌صورت صریح‌تر بگویم، واقعیت این است که ما از ابتدای پیروزی انقلاب تا الان، یک نفر هم از زنان نامزد تأییدصلاحیت‌شده در انتخابات ریاست‌جمهوری نداشته‌ایم. آقای کدخدایی جایی گفته‌اند زنان می‌توانند کاندیدا شوند اما نظر فقهی فقه‌ای شورای نگهبان هنوز تغییر نکرده است. معنی این حرف چیست؟ ویا در باره مجلس خبرگان رهبری، حتی یک نفر از زنان عضو مجلس خبرگان رهبری نداشته‌ایم. جالب این است که این موضوع به‌تعبیر قانون اساسی هم ربطی ندارد و قانون خبرگان را خود خبرگان می‌نویسند.

مطالبه‌گر باشیم

آیت‌الله‌شیخ‌محمدزیدی جایی صحبت کرده بود که خانم‌ها حق نامزدی ریاست‌جمهوری را ندارند. بعد از اینکه چنین حرفی را زدند، من نامه‌ای تفصیلی به ایشان نوشتم و یادآور شدم که در اصل ۱۱۵ که نوشته رجال باید رئیس‌جمهور شوند، چه کسی گفته رجال فقط شامل مردان است؟ خود این تفسیر جای حرف دارد. اول انقلاب این بحث مطرح شده بود و همان موقع شهید بهشتی در مجلس خبرگان گفت در هیچ کجای قرآن نداریم که زن نمی‌تواند رهبری یک کشوری را برعهده بگیرد، البته در روایات این موضوع وجود دارد که آن هم جای بحث دارد.

جالب است که می‌گویند در آیه ۲۷ سوره نور که خداوند فرموده است: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» چون رجال به کار رفته و خداوند فرموده که خرید و فروش رجال را از یاد خدا خارج نمی‌کند، منظور از رجال مردان است. درحالی‌که آنجا هم اگر بگوییم منظور از رجال، مردان است، این آیه معنا خواهد داشت؟ حضرت خدیجه مگر بزرگترین تاجر صدر اسلام نبوده است؟ پس ایشان هم از خدا غافل بوده است؟ رجال به کار برده شده اما شامل جنس زنان هم می‌شود. همچنین در آیه ۲۳ سوره احزاب خداوند فرموده است: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهُ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» می‌گوید در میان مومنین افرادی هستند که بر عهده‌ی که با خدا بسته‌اند، وفا کردند. مگر سیمه اولین شهیده صدر اسلام نبوده است؟ اگر بگوییم منظور از رجال فقط شامل مردان است که این موضوع درست نیست. مورد دیگر، در آیه ۴۰ سوره احزاب، خداوند فرموده است: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» می‌گوید فکر نکنید که پیامبر قوم و خویش یکی از افراد شماست. اگر بگوییم این رجال فقط جنس مردان است که درست نیست. من استدلال کردم و جوابی که آیت‌الله‌یزدی به من دادند جالب بود. اصلاً به این آیات پرداخته نشده بود و فقط به روایات پرداختند. در حالی‌که روایات جای بحث دارد.

من حرقم این است که عزیزان این همایش باید چند اقدام جدی انجام دهند که اگر جزو نتایج همایش شود، باید از همین مجلس فعلی مطالبه شود که مثلاً شما چه حقی داشتید که لایحه منع خشونت علیه زنان را از دستور خارج کنید؟ باید لایحه وارد دستور شود. یا مثلاً از مجلس خبرگان در خواست شود که قانونش را تغییر دهند. ما در همین لایحه عفاف و حجاب این مباحث را داریم. شرم‌همان می‌آید که بگوییم در نظام جمهوری اسلامی لایحه‌ای تصویب شده که خلاف اصول قانون اساسی و اصول اساسی مردم است.

که جامعه در حال تجربه تغییرات پرشتاب با انواع شکاف‌ها و گسست‌هاست؛ از گسست‌ملت -دولت تا گسست طبقاتی، جنسیتی و نسلی و... ورتبه پایین ایران در برخی شاخص‌ها از جمله حکمرانی خوب، توسعه پایدار و توسعه انسانی و... و شوربخترانه تلاش‌هایبیشتر از آنکه معطوف به‌پیود عملی وضعیت و تحقق توسعه درون‌زا، برون‌یگر، متوازن، همه‌جانبه و پایدار باشد، در قالب تغییر الفاظ نمود پیدا کرده است و در شرایطی که حتی واژه‌ها و عواوین برتابیده نمی‌شود، چشم‌انداز توسعه کشور، آن هم از نوع پایدار آن؛ بسی مبهم و مه‌آلود به نظر می‌آید. شرح این هجران و آن... را به نظر بپردازان توسعه می‌سپارم و احراز رتبه نزدیک به قمر جدول در برخی شاخص‌های دیگر شایان ذکر است که در تازه‌ترین گزارش مجمع جهانی اقتصاد درباره شاخص شکاف جنسیتی جهانی در سال ۲۰۲۳ که براساس آن از میان ۱۴۶ کشور که در این گزارش تحت بررسی قرار گرفته‌اند، ایران رتبه ۱۲۳ را به خود اختصاص داده است. این گزارش جهانی به بررسی وضعیت شکاف جنسیتی و تبعیض علیه زنان در چهار بعد کلیدی (مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، پیشرفت تحصیلی، سلامت وبقاوتوانمندسازی سیاسی) در تمامی کشورهای جهان می‌پردازد و مرجعی برای اندازه‌گیری سطح عدالت جنسیتی در بین کشورهاست. مطابق آن، به‌رغم دستاوردهای چشمگیر زنان و دختران در حوزه آموزش و سلامت، دو شاخص توانمندی سیاسی و توانمندی اقتصادی، هنوز چالش جدی زنان و جامعه ایرانی است.

به‌واقع فاصله بین واقعیت‌ها و راهبردها با سیاست‌های آرموده، غیرمنعطف و عدم اراده برای مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی که به تعمیق فاصله‌ها می‌انجامد، بارزترین وجه مشخصه این روزهای جامعه‌ماست که جز تنزل و حتی زوال شاخص سرمایه و امید اجتماعی و اعتماد و رضایتمندی عمومی حاصلی نداشته است و همانطور که بارها یادآور شده است (بی تفاوتی، بی‌انگیزگی و سرخوردگی متأثر از عوامل داخلی و بیرونی هم‌افزا و نیز ناامیدی بخش زیادی از مردم، از جمله نیروهای سیاسی از اثربخشی و تأثیر نهادهای انتخابی در تعیین و پیمود سرنوشت‌شان که به مرور آنان را به ناظران منفعل فرازوفرودهای انتخاباتی مبدل کرده، مسئولیت احزاب را به‌ویژه در آستانه انتخاباتی دیگر مضاعف می‌کند».

درک واقع‌بینانه این وضعیت که انباشت بحران‌ها را به‌همراه داشته است، وشرایطی که به‌ویژه بعد از اعتراضات گسترده‌ای که جامعه را بعد از نیمه دوم سال ۱۴۰۱ با محوریت زنان و جوانان درنوردید، اگر با پوست‌اندازی حاکمیت و افق‌گشایی (پارادایم‌شیفت و تغییر اولویت‌ها) و توسعه‌دایره انتخاب‌گرایش‌های متکثر همراه و همنشین می‌شد، می‌توانست در خنثی کردن انواع تهدیدهای بیرونی و نیز تقویت و ارتقای توانمندی و مشروعیت‌نهادهای حکمرانی مؤثر بوده وبرگ برنده نظام در تعاملات و چاره‌نهی‌های دیپلماتیک باشد.

▼ نگرانی‌های امروز و جریان اصلاحات

اما امروز بیش از پیش نگرانی‌ها حول این محور در حال شکل‌گیری است که

بنا به نظر تحلیل‌گران، دوری‌گزینی‌ها از رویکرد ایجابی و تداوم و غالبیت رویکرد سلبی و امنیتی بر نظام اجتماعی کشور و طبیعتاً بر خرده‌نظام‌های سیاسی، فرهنگی و... و بی‌اعتنائی و پشت پا زدن به هئندارهای مداوم صاحب‌نظران دلسوز و مصلح‌نسبت به تبعات اختلال ارتباطی و گفت‌وگویی میان جامعه و حاکمیت که حرکت اعتراضی ۱۴۰۱ را نمونه آن می‌دانند و فرصت‌سنوزی‌ها، اعتمادسنوزی‌ها و یافشاری بر طرح‌ها و اظهارنظرهایی که منجر به تضعیف روزافزون و کم‌رنگ ساختن بُعد جمهوریت نظام و کاهش نقش و مشارکت مردم و نهادهای مدنی می‌شود و تبدیل بهار سیاست به زمستان را نشانه رفته است، به کمتر از قفل‌شدگی یا انسداد فرهنگی و سیاسی و... رضایت نداده و بشود آنچه‌نباید...

در این‌میان وضعیت جریان اصلاحات که خاستگاه ماست و احزابی که در این مقوله طبقه‌بندی می‌شوند (با مرزبندی آشکار میان براندازی و نومحافظه‌کاری، سوپرانقلابی‌گری و جریاناتی که کم‌ر به خودبراندازی بسته‌اند،) به جد نیازمند بازخوانی است تا با بازسازی گفتمان اصلاحی و توانمندی گفتمانی و تشکیلاتی دوره‌ای جدید از حیات خود را آغاز کند.

▼ بیانیه ۱۵ بندی خاتمی و جهش گفتمانی اصلاح‌طلبان

هر چند اینک در قالب فعالیت جبهه‌ای یا مینا قراردادن بیانیه ۱۵ بندی سیدمحمد خاتمی، تحقق اصلاحات ساختاری، رویکردی و رفتاری تا حصول نتیجه مطلوب را در دستور کار خود دارد، اما به استناد مقاله «نسبت سیاست‌تورزی حزبی و حقوق بشر» که به این همایش ارائه شده است، این جریان و حاملان آن تجربه یک جهش گفتمانی و رویکردی نسبت به حقوق بشر یا دست‌کم تمایل گفتمانی را (به‌ویژه در مقایسه با جریان و گفتمان رقیب)، در کارنامه خود دارند. بررسی‌های این مقاله حاکی از آن است که «در دوره اصلاحات به‌رغم سابقه‌ی چپ‌نیروهای اصلاح‌طلب که عدالت‌خواهی جزو مؤلفه‌های گفتمانی‌شان بود، چون به نوعی رویکرد ایدئولوژی‌زدایی هم دنبال می‌کردند و در پی تثبیت نقش شهروند و تقویت جامعه مدنی بودند، خود به خود گفتمان‌شان معطوف به نسل اول حقوق بشر بود. یعنی: «حقوق مدنی و سیاسی یا حقوق آبی /حقوق لیبرال»، مثل حق آزادی بیان، آزادی مذهب و عقیده، حق دادرسی عادلانه و... در واقع نسل اول حقوق بشر مؤلفه‌هایی را تشکیل می‌دهند که به شهروند قدرت تحمل و مقاومت در برابر فشار دولت‌ها را می‌دهد. اما نسل دوم حقوق بشر، در گفتمان اصلاح‌طلبان، در آن مقطع، تا حدی مورد غفلت واقع می‌شد: «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا حقوق سرخ»، که منشأ آن دولت‌های سوسیالیستی در گذشته بودند. این حقوق به مواردی مثل: حق تحصیل، حق اشتغال و مباحث عدالت اجتماعی و محو فقر و... می‌پردازد. به نظر می‌رسد در نوسازی گفتمانی اصلاحات، از بعد از سال ۸۴ به این سو، تلاش شده است تا به نسل دوم و به‌ویژه نسل‌های بعدی حقوق بشر توجه شود.»، با درک شهودی و تجربی و گاه تحلیل‌شده و اینکه تقدم دموکراسی بر سایر ابعاد حقوق بشری

یا بی‌توجهی به آن به بهانه مصالح سیاسی یا اصلاً غیرسیاسی دانستن مفاهیم حقوق بشری، یک انگاره قابل نقض است که در بیرون از قدرت بهتر فهمیده می‌شود، به‌خصوص پس از اتفاق نظر اکثر اصلاح‌طلبان درباره امتناع اصلاح از بالا و درون ساخت قدرت، به این معنا اگرچه امکان حضور آنها در ساخت قدرت منتفی شده است و در صورت حضور هم امکان کافی برای پیشبرد برنامه‌هایشان ندارند، اما این به معنای بی‌توجهی و نفی مطالبه‌گری نسبت به سایر حقوق شهروندان از حاکمیت نیست؛ راهبردی که خودبه‌خود رویکرد حقوق بشری در سیاست‌تورزی را چه در سطح نظرات و موضع‌گیری و چه در سطح ترویج و کنش‌گری موجب می‌شود. به گواه این مقاله، این وضعیت دارای حداقل سه تأثیر مهم در کنش این دسته از کنش‌گران سیاسی است: کاهش‌نخبه‌گرایی و اجتماعی‌تر شدن آنها، تعهد بیشتر به مصلحت جامعه در برابر مصلحت قدرت و اهمیت مضاعف یافتن تأثیر بر رفتار قدرت به نسبت کسب قدرت.

با این ملاحظه، رویکرد کافی نبودن تمرکز محض بر حقوق نسل اول و لزوم جبران غفلت از نسل‌های بعدی؛ تمایلی چپ‌گرایانه نسبت به گذشته به‌خصوص در بین نسل دوم و سوم تحول‌خواهان پرنگ‌تر از نسل اول (با غلبه گفتمان جامعه‌محوری بر فعالیت‌های جبهه اصلاحات)، به‌وضوح قابل مشاهده است.

▼ سیاست‌ورزی مدرن و فعالیت تشکیلاتی

هر چند باید اذعان داشت که هنوز اغلب قریب به اتفاق احزاب و تشکل‌های سیاسی کشور با استانداردهای کار حزبی و تشکیلاتی فاصله دارند- چه برسد به سیاست‌ورزی مدرن که در پیوستگی با حقوق بشر است- که تنها بخشی از آن به شرایطی که از درون به آنها تحمیل می‌شود، برمی‌گردد، یا یادآوری اینکه «این وضعیت تا حدود نسبتاً زیادی ریشه در عوامل بیرونی دارد و نقش حاکمیت را در عدم شکل‌گیری و نهادینه شدن نظام حزبی و تحزب در کشور و میدان ندادن به نقش‌آفرینی احزاب نباید نادیده گرفت و بر این اساس دولت‌ها هم که مولود و زاینده احزاب و نظام حزبی نیستند و با عمال یا سخگو هم نیستند و میانه‌چندانی هم با این واقعیت که «دولت توانمند محصول ملت توانمند» است و احزاب خواسته‌ها و مطالبات بخش بزرگی از مردم را نمایندگی و به نظام سیاسی منتقل می‌کنند، ندارند.»

به همین منوال، این واقعیت و ضرورت بازخوانی وضعیت آن در مورد احزاب زنان به مراتب بیش از سایر تشکل‌ها خودنمایی می‌کند و خالی از لطف نیست که اینجا اشاره شود، طراحی چشم‌انداز و مدل مطلوب آینده فعالیت احزاب زنان در دستور کار ائتلاف احزاب زنان اصلاح‌طلب قرار گرفته است.

در آغاز این راه، چشم امیدمان بر این دوخته شده بود که با همراهی تمامی کوشندگان، علاقه‌مندان و دغدغه‌مندان تحقق نسل‌های حقوق بشر، با توجه به چالش‌های پیش رو و با اتکا به ظرفیت‌های بی‌بدیل و فرصت‌های هم‌افزای احزاب و زنان، گامی چشمگیر در توسعه ادبیات حقوق بشری و ترسیم نقشه راه تحقق حقوق بشر در کشورمان و در پیوند با مسائل روز جامعه برداشته شود.

گفتار سیاستمدار



امیدواریم این بار به توصیه رهبری عمل کنند

حسن روحانی، در ادامه دیدارهای دوره‌ای خود با استانداران دولت‌های یازدهم و دوازدهم، با اشاره به بیانات رهبری، همگان را مخاطب بیانات ایشان درباره انتخابات دانست و گفت: «هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید من مخاطب فرمایش مقام معظم رهبری نیستم. رهبر انقلاب به همه خطاب کردند باید یک انتخابات پرشور و رقابتی برگزار شود. قاعدتاً اولین مخاطب ایشان افرادی هستند که در این امر می‌توانند بیشترین تأثیر را داشته باشند. در حال حاضر هیئت‌های نظارت و شورای نگهبان، رسانه‌ها به‌ویژه صداوسیما و دیگران مخاطب ایشان هستند؛ کما اینکه همه‌ما به‌عنوان مخاطب ایشان وظیفه داریم. تا امروز صداوسیما وارد فضای انتخاباتی نشده است. مقام معظم رهبری قبلاً هم فرمودند که انتخابات باید رقابتی باشد اما به آن فرمایش ایشان عمل نکردند. امیدواریم این بار عمل کنند.» روحانی با تأکید بر اینکه راهی غیر از صندوق رأی و انتخابات نداریم، افزود: «صندوق رأی یعنی نه به دیکتاتوری و آثارشسیم. مقام معظم رهبری بیان دقیقی داشتند که اگر انتخابات نباشد یا دیکتاتوری رخ می‌دهد یا هرج‌ومرج پیش می‌آید. هر کدام باشد خطرناک است، با این همه تلاش و زحمت از روز اول نهضت اسلامی در سال ۴۱ تا امروز، همه امیدها این بود نظامی که به دست می‌آید مردم‌سالاری دینی باشد. ممکن است اشکالاتی هم داشته باشد که باید آن را رفع کنیم و آن هم از طریق صندوق رأی امکان‌پذیر است. اصل انتخابات موجب قدرت و عظمت کشور و نشاط و امیدواری مردم می‌شود. همه کشورها به‌ویژه همسایگان به ما نگاه می‌کنند بنابراین هر مقدار بتوانیم انتخابات را پرشور کنیم ولو ۳۵ درصد مشارکت‌کننده بشود ۲۶ درصد، ما موفق شده‌ایم.»

▼ جذب مشارکت مردم سخت است

وی با بیان اینکه جذب مردم برای شرکت در انتخابات سخت و نیازمند استدلال است، تصریح کرد: «باید به مردم بگوییم که شما می‌خواهید چکار کنید؟ در انتخابات شرکت نکنید به عنوان اعتراض؟ بگویید نمی‌آییم تا به این نظام نشان دهید کارش ایراد و اشکال دارد؟ اینکه این اقدام چقدر تأثیر دارد بحث دیگری است. آیا راه دیگری نداریم؟ می‌توانیم در شرایطی مردم را تشویق کنیم رأی اعتراضی دهند. اگر فرد صالحی بود، مردم را تشویق کنید به او رأی بدهند ولو انتخاب هم نشود اما رأی به او اعتراض به شیوه موجود باشد. پس دو نوع می‌شود اعتراض کرد، یکی اینکه فرد در انتخابات شرکت نکند که معلوم نیست چقدر مؤثر خواهد بود یا در انتخابات شرکت کند و به کاندیدایی رأی دهد که تغییر و تحول می‌خواهد و از وضع موجود ناراضی است.»

▼ رای به تغییر و تحول

روحانی افزود: «آی ما باید رأی به تغییر و تحول باشد. مقام معظم رهبری به تحول اشاره کردند که از تغییر مهم‌تر است. ما باید دنبال تحول باشیم. باید به هر کس که سمبل تغییر و تحول باشد، رأی دهیم. البته باید بتوانیم از طریق فضای مجازی یا نخبگانی که بر اذهان عمومی اثرگذار هستند مردم را تشویق به حضور در انتخابات کنیم.» وی اظهار داشت: «اگر مردم در این شرایط ببینند مجلس شورای اسلامی شکل می‌گیرد که در آن اقلیت ۵۰ نفره‌ای صدای اکثریت مردم هستند، در مجلس اقلیت‌اند اما صدای اکثریت مردم هستند، امیدواری ایجاد می‌کند.»

▼ نه به دیکتاتوری

وی در بخش دیگر سخنانش گفت: «این انقلاب که مال فلان گروه و فلان جبهه نیست. عده‌ای از آن‌ها در انقلاب هم نبودند. در جنگ هم عده زیادی از آن‌ها نبودند، در روزهای سخت کشور هم آنچنان حضور فعال نداشتند. آیا باید کشور را واگذار کنیم به یک عده و بگوییم آن‌ها کشور را گرفتند و دیگر نمی‌شود کاری کرد؟ در این شرایط ما ناچاریم فکر کنیم و برای انتخابات خبرگان یا مجلس شورای اسلامی امسال تلاش کنیم. بحث ما فقط مربوط به انتخابات امسال نیست. به هر حال ما انتخابات‌های متعددی پیش‌رو داریم. دو سال دیگر که انتخابات ریاست‌جمهوری و شورا‌های اسلامی شهر و روستا است شبیه همین اشکالات آن موقع هم هست. ما اگر الان نیاییم و حضور پیدا نکنیم، دو سال دیگر هم نیاییم و حضور پیدا نکنیم و سال‌های بعد هم حضور پیدا نکنیم، نتیجه آن چه خواهد بود؛ جز ناامیدی و دیکتاتوری؟ اگر چه حضوری که فرد مطمئن باشد تأثیر فوق‌العاده دارد الان نیست، ولی حضور ما از عدم حضور بهتر است یا نه؟ فعال شدن ما از عدم فعال شدن بهتر است یا نه؟»